

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۶ فبروری ۲۰۲۳



محمد محق

بازخوانی کارنامه جنبش‌های سیاسی در افغانستان

از جنبش مشروطیت به این سو بیش از صد سال است که افغانستان شاهد شکل‌گیری جنبش‌ها و جریان‌های سیاسی متعددی است که در قالب احزاب و سازمان‌های گوناگون پدید آمدند. این جنبش‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند از چپ تا راست، ملی‌گرا و بنیادگرا، و داعیه‌ای که مطرح کردند برای شماری عدالت اجتماعی، برای شماری برتری‌خواهی تباری، برای شماری ملت‌سازی مدرن، و برای شماری دیگر برپایی خلافت اسلامی بوده است. اگر چه همه تحولات سیاسی افغانستان ریشه داخلی نداشته و عامل خارجی در تمام وقت یکی از واقعیت‌های درشت این صحنه بوده است، اما جنبش‌های سیاسی نیز، دست کم در سطح ملی و درون‌کشوری، یکی از عوامل اصلی تحولات بوده‌اند. با توجه حجم تأثیرگذاری این جنبش‌ها که بر زندگی چندین نسل سایه می‌اندازد و امتداد آن به نسل‌های آینده نیز می‌رسد، لازم است که کارنامه آن‌ها مورد بازخوانی قرار بگیرد.

بازخوانی کارنامه جنبش‌های سیاسی یکی از نیازهای مهم برای آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی است. در اساس نباید هیچ جنبش و جریان سیاسی فوق‌چون و چرا، و کارنامه‌اش پیچیده در هاله‌ای از تقدس باشد. نگاه رمانتیک به جنبش‌های سیاسی روزنه تعقل و برخورد عقلانی با آن‌ها را مسدود می‌کند، در حالی که نگاه انتقادی به این پدیده می‌تواند به پختگی و بهبود آن کمک برساند. نگاه انتقادی البته هیچ‌گاه به معنای عیب‌جوئی مغرضانه نیست، بلکه بررسی منصفانه و بی‌طرفانه است. شماری گمان می‌کنند که نقد سازنده و منصفانه عبارت است از لیست کردن خوبی‌ها و بدی‌های یک جریان در کنار همدیگر بدون هیچ قضاوتی. چنین چیزی قطعاً الزامی نیست، زیرا هر جنبش و سازمان برای ذکر محاسن و مناقب خود به حد کافی تبلیغات کرده است و از این رو نیازی به ذکر مجدد آن‌ها از سوی تحلیل‌گران انتقادی نمی‌ماند. نقد در اساس متمرکز بر نقاطی است که از دیدها پنهان مانده و در پهنه عمومی به گفت و گو و بحث گرفته

نشده است. طبیعی است که هواداران یک جریان انگشت نهادن بر کاستی‌ها و عیوب سازمان خود را نقد سازنده ندانسته و نوعی دشمنی تلقی می‌کنند.

واقعیت ماجرا این است که نه سوسیالیسم شر مطلق است و نه لیبرالیسم، نه ناسیونالیسم، نه اخوانیسم، نه سلفیسم و نه هیچ جریان دیگر. پدیده‌های سیاسی و اجتماعی ترکیبی از محاسن و معایب هستند، اما در چشم پیروان خود سراپا حسن و جمال به نظر می‌رسند و تعلقات عاطفی و پیوندهای هویتی و گاه وابستگی‌های منفعتی اجازه نمی‌دهد که کاستی‌هایشان را ببینند. نقد در واقع برای این است که ابعاد تاریک و مغفول‌مانده را بر آفتاب افکند و پرده از جنبه‌های پنهان یک قضیه کنار بزند.

برای این‌که نقد از مسیر سازنده خود دور نیفتد باید مبتنی بر روش باشد، به این معنا که حقایق و فکت‌ها مبنای اصلی هر قضاوتی باشد و در ارزیابی و تحلیل تا حد امکان از روش‌های معتبر در عرصه‌های علوم اجتماعی استفاده شود. همچنان، زبانی که برای نقد انتخاب می‌شود زبان زننده و آکنده از بار عواطف منفی نباشد و فاصله لازم میان نقد و خصومت را زیر پا نگذارد. بهترین روش برای نقد این است که پیروان یک جنبش خود به نقد خویشتن پردازند، زیرا علایق حب و بغض دخالت کمتری خواهد داشت، اما نقدی که از بیرون صورت بگیرد همچنان اهمیت دارد به شرطی که روشمند باشد. وضعیتی که امروز گرفتارش هستیم کم و بیش محصول عملکرد جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی است و بازخوانی کارنامه آن‌ها یکی از بایسته‌های اساسی برای رهائی از وضعیت کنونی و حرکت به سوی آینده‌ای بهتر است.